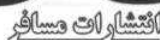


درآمدی بر

تاریخ دامن وکلای دادگستری

از آغاز تا ۱۳۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۶۵۰۱



مست الکترونیک: mosaferpub@gmail.com

هرگونه استفاده از مطالب، طرح جلد، و صفحه آرایی کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۷	شکل‌گیری عدلیه
۱۹	تصویب اصول تشکیلات عدلیه
۲۱	نظام‌نامه وکلای رسمی عدلیه
۲۲	نظام‌نامه اسخا وکلای رسمی
۲۳	شکل‌گیری مجمع وکلای رسمی
۲۴	تصویب نظام‌نامه‌های مجمع وکلا
۲۶	تأسیس شعبه‌ها و کمیسیون‌ها
۲۶	پایان فعالیت مجمع وکلای رسمی
۲۷	آشفستگی سیاسی در کشور و انحلال مجمع وکلا
۲۸	علی‌اکبر داور و اصلاح تشکیلات عدلیه
۳۱	اعتراضات به داور
۳۳	تغییر رویه عدلیه داور
۳۴	سرانجام، تشکیل کانون وکلا
۳۵	کانون مردان نخستین
۳۶	بخش‌های کانون وکلا
۳۷	نظام‌نامه وکلای محدود عدلیه
۳۸	قانون وکالت ۱۳۱۴
۴۱	قانون وکالت ۱۳۱۵
۴۴	مصدق و لایحه استقلال کانون وکلا
۴۸	سیدهاشم وکیل، شناخته‌شده‌ترین کانون‌مرد
۴۹	انتخابات پرتنش دوره پانزدهم هیأت رئیسه (۱۳۴۹)
۵۲	جلالی نائینی و تلاش برای ارتقای وجهه کانون

انتخابات دوره شانزدهم (۱۳۵۱) و ردّ اعتراضات	۵۴
انتخابات دوره نوزدهم کانون وکلا (۱۳۵۷)	۵۵
انقلاب اسلامی و کانون وکلا	۵۷
موضع‌گیری امام خمینی درباره وضعیت کانون وکلا	۶۹
نزیه و تنش‌های مربوط به شرکت ملی نفت	۷۱
برکناری نزیه از ریاست کانون وکلا	۷۹
تصفیه و پاکسازی کانون وکلا	۸۰
انحراج کانون وکلا از کاخ دادگستری	۸۳
دوره انتصابی	۸۵
تلاش برای برگزاری انتخابات	۸۸
داود علم‌بهرام و نقش او در اداره کانون	۹۰
قانون کیفیت اخذ پروانه کالت دادگستری	۹۱
اولین انتخابات پس از انقلاب اسلامی	۹۱
منابع	۹۳

پیوست‌ها ۹۱

۱. سالشمار رویدادهای مربوط به کانون وکلا دادگستری	۱۰۱
۲. اسامی اعضای هیأت مدیره کانون وکلادر دوره‌های مختلف	۱۰۷
۳. متن مهم‌ترین قوانین مربوط به کانون وکلا	۱۴۹
فرمان احمدشاه قاجار (۱۲۹۳/۱۳۳۲)	۱۴۹
نظام‌نامه وکلای رسمی عدلیه	۱۵۰
نظام‌نامه امتحان وکلای رسمی عدلیه	۱۵۱
صورت جلسه اولین نشست مجمع وکلای رسمی	۱۵۵
گزارش تشکیل نخستین مجمع وکلای رسمی	۱۵۶
نظام‌نامه اساسی وکلای رسمی	۱۵۷
نظام‌نامه داخلی مجمع رسمی وکلا	۱۵۹
نظامات جلسه عمومی	۱۶۲
فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه (۱۳۰۶)	۱۶۳
فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه (۱۳۰۷)	۱۶۷
نظامات وزارت عدلیه برای شغل وکالت (۱۳۰۷ - ۱۳۰۸)	۱۶۹

نظام‌نامه وکلای محدود	۱۷۴
قانون راجع به لیسانسیه‌های حقوق و وکلا	۱۷۵
قانون راجع به اشخاص ممنوع‌الوکاله	۱۷۶
قانون وکالت (۱۳۱۴)	۱۷۷
قانون وکالت (۱۳۱۵)	۱۸۶
لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۱) ...	۱۹۷
لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۳)	۲۰۱
لایحه قانونی راجع به تصفیه و پاکسازی در کانون وکلای دادگستری (۱۳۵۹)	۲۰۸
طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰)	۲۰۸
قانون نحوه اصلاح کانون‌های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰)	۲۰۹
قانون اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۷۳)	۲۱۱
قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (۱۳۷۶)	۲۱۲
۴. تصاویر	۲۱۹
نمایه	۲۳۳

مقدمه

از ابتدای آشنایی‌ام با مفهوم «استقلال کانون وکلا»، همواره بخشی از مشغله صنفی‌ام به این مفهوم مربوط بود. در عرصه عدالت و کالت‌ام، متوجه شدم که کتاب‌های مدون و مستند چندانی در خصوص شکل‌گیری کانون وکلا، که خود می‌تواند بازگوکننده مفهوم واقعی و ماهیت کانون وکلا و استقلال آن باشد، وجود ندارد. نبود چنین منبع قابل استنادی مباحث تاریخی و کالت و کانون وکلا را بسط می‌نماید، تا جایی که حتی در مباحث اساتید و کالت نیز نقش مرحومان علی‌المرور داور یا دکتر محمد مصدق در ایجاد و استقلال کانون دچار تردید و عدم شفافیت است. پس تصمیم گرفتم در خصوص تشکیل کانون وکلا و شناخت کانون‌مردان — مردانی که در تشکیل، قوام و دوام خانه صنفی‌ام نقش داشته‌اند — تحقیق کنم، به شکلی که این تحقیق، از باب «راه باده رفتن به از نشستن باطل»، شروعی باشد برای خودم و همکاران در راه شناخت تاریخی کانون وکلا، تا با شناخت صحیح گذشته، نگاهی صحیح به آینده داشته باشیم.

روش کار در این کتاب

تمام تلاش نگارنده در این کتاب دسته‌بندی و ثبت وقایعی بود که به سیر تشکیل و تحول کانون وکلای دادگستری ایران مربوط بوده و بر آن اثر گذاشته است. در واقع، کوشیده‌ام مانند یک جستجوگر، منابع مختلف را بررسی کنم و هر آنچه به تشکیل و تحول این نهاد ارتباط داشت در پیوندی منطقی ارائه دهم.

طبیعتاً نخست به سراغ نشریه کانون وکلا رفتم. مقالاتی که در دهه ۳۰ با عنوان «کانون وکلای دادگستری چگونه به وجود آمد» در این نشریه منتشر شد تصویری کامل

از تشکیل قانون به دست می‌دهد. نویسنده این مقالات — قوام‌الدین مجیدی — خود از نخستین قانون‌مردان بود و بیشتر پیش‌زمینه‌های تشکیل قانون و کلا و سپس تحولات آن را به چشم دیده بود. گزارش وی نیز خالی از حب و بغض یا جانبداری‌های معمول می‌نماید. بنابراین، طبیعتاً این مقالات را باید بهترین و شاید تنها منبع قابل اعتماد در این باره قلمداد کرد. به همین دلیل، بیشتر مقالاتی که در چند سال گذشته، به‌ویژه در فضای مجازی، با موضوع نحوه تشکیل قانون و کلا منتشر شده، بازنویسی این مقالات هستند، تعدادی با ذکر منبع و تعدادی بی‌اشاره‌ای به آن! بنابراین، در این کتاب نیز به‌ناچار بارها از این مجموعه مقالات استفاده شده است.

علاوه بر مجموعه مقالات قوام‌الدین مجیدی، در سال ۱۳۴۴، قانون و کلا کتابی کوچک را تدوین و منتشر کرد با عنوان تحولات بیست و پنج ساله و کالت دادگستری. این کتاب نیز اطلاعاتی بیش از مجموعه مقالات مجیدی به دست نمی‌دهد و به نظر می‌رسد که بازنویسی همان مقالات باشد. در سال ۱۳۸۰، این کتاب بار دیگر تبویب و منتشر شد، این بار با عنوان تحولات نود ساله و کالت دادگستری در ایران. در مقدمه این کتاب اعلام شد که جلد دوم آن انتشار خواهد یافت اما عاهاً این اتفاق هنوز رخ نداده است یا دست‌کم این نگارنده به آن دسترسی پیدا نکرد.

کتاب و کالت، مجموعه مقالات دکتر حسین علی‌نات، منتشر شده در سال ۱۳۵۷، از جمله منابعی بود که در اثر حاضر مورد استفاده قرار گرفت. این کتاب حاوی چند مقاله درباره تاریخچه قانون و کلا و ساختار آن در کشورهای مختلف از جمله ایران است. در بعضی از مباحث و بخش‌های کتاب حاضر از روایت دکتر کاتب بهره برده‌ام.

اما مجله قانون و کلا حاوی تمامی اطلاعات مورد نیاز برای این کتاب نبود؛ از جمله، نتایج بعضی دوره‌های انتخابات هیأت مدیره به طور کامل در این نشریه یافت نمی‌شود. جالب این‌جاست که چنین نقایصی در این نشریه در دوره‌های اخیر بیشتر به چشم می‌خورد. این در حالی است که در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، پس از برگزاری هر دوره انتخابات هیأت مدیره قانون و کلا، گزارشی نسبتاً کامل از انتخابات در مجله درج می‌گردید و حتی ترکیب اعضای کمیسیون‌ها و بخش‌های قانون نیز اعلام می‌شد؛ همچنین، گزارش‌های متعدد مجله تصویری کلی را از اوضاع و احوال قانون و کلا و فعالیت‌های آن به دست می‌داد. به هر روی، همان‌طور که گفته شد، این نشریه تمامی اطلاعات مورد نیاز این اثر را در بر نداشت. به همین دلیل، اخبار و اطلاعات مربوط به

کانون را در دیگر نشریات آن روز نیز جست‌وجو کردم. از آن میان، بیش از همه از روزنامه اطلاعات استفاده کردم که اخبار کانون وکلا را بیشتر از دیگر نشریات آن زمان پوشش می‌داد. البته، در هنگام استفاده از مطالب نشریات مختلف، همواره این موضوع را در نظر داشتم که طبیعت کار ژورنالیستی با خطا همراه است و به همین دلیل، در مطالب نقل‌شده از نشریات باید جانب احتیاط را نگاه داشت. این احتیاط را حتی درباره مجله کانون وکلا نیز، که قطعاً درباره اخبار مربوط به کانون معتبرتر از دیگر نشریات است، در نظر داشتم.

فاصله گامین از حواشی سیاسی و اجتماعی اصل دیگری بود که کوشیدم در این کتاب بدان پای‌بند مانم. نهاد وکالت، در طول حیات‌اش، با وجود همه فراز و نشیب‌ها و حتی در دوره‌های فترت تحلیلی، همواره پویا و زنده ماند. حتی در زمانی که بعضی وزرای عدلیه می‌کوشیدند وکلا را دست‌کم‌گزارانده خود نگاه دارند، به همت کانون‌مردانی که اکنون حتی نامی از آن‌ها برده نمی‌شود، نهاد وکالت باز هم در حال دوانیدن ریشه‌های خود بود، گرچه به‌کندی و به‌دشواری. همین پرنیایی را می‌توان دلیل تأثیرگذاری متقابل این نهاد با جامعه دانست. به عنوان مثال، نخستین نهادی که رسماً رسیدگی به امور مربوط به وکلا را بر عهده گرفت، یعنی مجمع وکلای رسمی، تنها چند ماه پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تشکیل شد و در آشفتگی‌های ایرانِ گردتازه فقط حدود یک سال دوام آورد. به همین دلیل، در شرح تحولات کانون وکلا، هر جا که لازم بود، درباره وضعیت دولت و به‌ویژه وزارت عدلیه و اوضاع و احوال جامعه به‌اختصار بحث شد. است. در واقع، با وجود جذابیت‌های این حواشی تاریخی و سیاسی، کوشیده‌ام صرفاً فایده‌ای را که بر نهاد وکالت تأثیر گذاشته‌اند روایت کنم.

همچنین، در این کتاب، به‌جذ کوشیده‌ام از هر گونه داوری یا حتی تحلیل وقایع، تا حد امکان، پرهیز کنم. در واقع، این اثر، با قرار دادن بعضی مستندات تاریخی در کنار هم، پلی است به سوی پژوهش‌های بعدی. البته، تحلیل وقایع تاریخی و سیاسی مرتبط با کانون کاری بسیار ضروری و در عین حال اغواکننده است، اما با توجه به پراکندگی مستندات لازم برای ارائه چنین تحلیل‌هایی، ترجیح دادم این مطالب را در گام نخست به صورتی روایت‌گونه در اختیار پژوهشگران قرار دهم تا پایه‌ای باشد برای تحقیقات آینده. بر اساس این استدلال بود که در سراسر متن مثلاً درباره رویکرد علی‌اکبر داور، احمد متین‌دفتری یا محمد مصدق به وکلا و تشکیلات آن‌ها یا نقش هر یک در استقلال کانون وکلا بحث

چندانی یافت نمی‌شود و هر آنچه هست صرفاً گزارشی از عملکرد آن‌هاست. همچنین، درباره عملکرد ویژه حسن نزیه، رئیس کانون وکلای در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، و تأثیراتی که بر نحوه نگرش حکومت به کانون داشته است تحلیل یا قضاوتی نکرده و داوری را در این باره به خواننده سپرده‌ام. البته، چنین مستندات یک گزارش به‌ظاهر بی‌طرفانه نیز تا حدی برآمده از داوری نگارنده است، گرچه به صورت ناخودآگاه.

بخش پیوست‌های کتاب احتمالاً محل ظهور بیشترین اشتباهات نگارنده است. برای تنظیم نتایج انتخابات و فهرست اعضای هیأت مدیره کانون وکلای در دوره‌های مختلف، ابتدا از مجله کانون وکلا و سپس از نشریاتی چون روزنامه اطلاعات و مجله حقوق مردم (به صاحب امتیازی و مدیریت جعفر منصوریان) استفاده کردم. متأسفانه به دلیل دسترسی نداشتن به بایگانی کانون وکلا، ارائه اطلاعاتی دقیق‌تر در این باره ممکن نبود.

در پایان، از خوانندگان این کتاب، به‌ویژه وکلای محترم دادگستری، خواهشمندم ضمن اصلاح و تذکر خطاهای نگارنده، پیشنهادها یا اطلاعات و اسنادی که نقل آن‌ها را در این اثر ضروری می‌دانند در اختیار این خانه قرار دهند. تا این کتاب به‌تدریج پربارتر شود.

عبدالرضا دیوسالار

پاییز ۱۳۹۴